

بررسی تطبیقی «جهاد دفاعی» در فقه اسلامی و «اصل دفاع مشروع» در حقوق بین‌الملل عمومی

عبدالرحمن مخلص • دانشجوی دکتری اصول فقه اسلامی، جامعه‌المصطفی‌العالمیه، گرگان، ایران. 11516202@miu.ac.ir
شیلا جمشیدی • دانشجوی دکتری حقوق خصوصی، جامعه‌المصطفی‌العالمیه، گرگان، ایران. jamshidishila29@gmail.com
ناصر نیکخواهی امیری • استادیار، گروه فقه و اصول، جامعه‌المصطفی‌العالمیه، گرگان، ایران. naser_nikkhoamiri@miu.ac.ir

چکیده

کاربرد زور در روابط سیاسی و اجتماعی، همواره از مسائل بنیادین در مطالعات حقوقی و فقهی بوده است. در نظام حقوق بین‌الملل معاصر، اصل «منع توسل به زور» به‌عنوان قاعده‌ای آمره پذیرفته شده و «دفاع مشروع» تنها استثنای صریح آن است که مشروط به رعایت قواعد ضرورت، فوریت، تناسب و چارچوب امنیت جمعی است. در فقه اسلامی نیز «جهاد دفاعی» به عنوان حق ذاتی و واجب در پاسخ به تجاوز به حریم سرزمین، جان، مال یا کیان جامعه اسلامی مشروعیت می‌یابد. این نوشتار با روش توصیفی تحلیلی و رویکرد تطبیقی، به این پرسش اصلی می‌پردازد: جهاد دفاعی در فقه اسلامی با وجود تفاوت در مبنای مشروعیت، آیا از نظر قیود اخلاقی و ساختاری با دفاع مشروع در حقوق بین‌الملل معاصر هم‌سو است، یا تفاوت‌های بنیادین مانع هم‌گرایی می‌شود؟ با توجه به یافته‌ها، می‌توان نتیجه گرفت که میان «جهاد دفاعی» در فقه اسلامی و «دفاع مشروع» در حقوق بین‌الملل، هم‌گرایی قابل‌توجهی در اصول سه‌گانه «ضرورت، تناسب و حمایت از غیرنظامیان» وجود دارد؛ چنان‌که هر دو نظام، کاربرد زور را یک حق مطلق ندانسته و آن را محدود به آخرین راه‌حل و متناسب با شدت تهدید می‌داند. با این همه، دو مانع جدی بر سر راه تطبیق کامل این دو نهاد حقوقی قرار دارد: اولاً، اختلاف در فلسفه مشروعیت؛ بدین معنا که حقوق بین‌الملل تنها «حاکمیت و تمامیت ارضی دولت‌ها» را مبنای دفاع می‌شناسد، در حالی که فقه اسلامی، دفاع از جان، ناموس، مال و حتی کیان اعتقادی جامعه مسلمانان را نیز مشروع می‌داند. ثانیاً، تفاوت در گستره فراخوان عمومی؛ که در نظام بین‌المللی، تصمیم‌گیری در انحصار دولت و ارتش رسمی است، اما در فقه اسلامی، فراخوان عمومی مسئولیت حاکم شرع است؛ به‌علاوه، در شرایط اضطرار و فقدان حاکم شرع، هر مسلمانی می‌تواند مسئولیت دفاع را بر عهده گیرد.

واژگان کلیدی: جهاد دفاعی، دفاع مشروع، اصل منع توسل به زور، فقه سیاسی اسلام.



مقدمه

کاربرد زور در روابط بین‌الملل همواره یکی از چالش‌برانگیزترین موضوعات حقوقی و هنجاری در تاریخ تمدن بشری بوده است. در نظام حقوق بین‌الملل معاصر، اصل منع توسل به زور به عنوان یکی از قواعد آمره و بنیادین شناخته می‌شود که تنها استثنای صریح آن، حق دفاع مشروع در برابر حمله مسلحانه است. ماده ۵۱ منشور ملل متحد، این حق را به رسمیت شناخته و آن را مقید به شرایطی چون ضرورت، تناسب و گزارش‌دهی به شورای امنیت نموده است. از سوی دیگر، فقه اسلامی نیز با مفهوم «جهاد» ناظر بر کاربرد زور، دیدگاه‌های خاص خود را ارائه داده است. فقهای مسلمان با تقسیم جهاد به دو قسم ابتدایی و دفاعی، نوع دوم را به عنوان واکنشی در برابر تجاوز به سرزمین، جان، مال و کیان جامعه اسلامی توجیه می‌کنند. بدین ترتیب، جهاد دفاعی و دفاع مشروع بین‌المللی، یکی به عنوان نهاد حقوقی و دیگری فقهی برای توجیه کاربرد زور در مقام دفاع پدید آمده‌اند و این همانندی کارکردی، ضرورت بررسی تطبیقی آن‌ها را آشکار می‌سازد.

پیشینه تحقیق نشان می‌دهد که پژوهش‌های انجام‌شده در حوزه فقه اسلامی عمدتاً به تبیین ادله قرآنی و روایی جهاد دفاعی، شرایط وجوب و قلمرو آن پرداخته‌اند. آثاری مانند «جهاد یا تروریسم» از جمشیدی و طوسی، با تأکید بر ماهیت دفاعی جهاد در فقه امامیه، کوشیده‌اند خوانشی هم‌ساز با موازین بین‌المللی ارائه دهند.

در سطح تطبیقی نیز آثاری چون «Islamic Jihadism and the Laws of War» از عمر مکی، کوشیده است گفتگویی میان حقوق بین‌الملل و حقوق اسلامی برقرار سازد و جهاد دفاعی را با حق دفاع مشروع مقایسه کند. با این حال، نقطه قوت پژوهش حاضر در آن است که با عبور از مقایسه‌های صرفاً شکلی و مصداقی، به تحلیل ساختار هنجاری دو نظام در سطح مبانی و کارکردها می‌پردازد. این پژوهش می‌کوشد با تفکیک میان سه سطح «مبنای مشروعیت»، «شرایط و قیود» و «ساختار مرجعیت»، وجوه اشتراک و افتراق جهاد دفاعی و دفاع مشروع را به صورت منظم و روشمند بررسی کند. چنین رویکردی امکان ارزیابی دقیق‌تری از ظرفیت‌های همگرایی یا تعارض

میان این دو نظام فراهم می‌آورد. بر این اساس، سؤال اصلی پژوهش آن است که جهاد دفاعی در فقه اسلامی با وجود تفاوت در مبنای مشروعیت، آیا از نظر قیود اخلاقی و ساختاری با دفاع مشروع در حقوق بین‌الملل معاصر هم‌سو است، یا تفاوت‌های بنیادین مانع همگرایی آن‌ها می‌شود؟

روش تحقیق در این مقاله، توصیفی-تحلیلی با رویکرد تطبیقی ساختاری است. بدین صورت که در مرحله نخست، منابع فقهی مرتبط با جهاد دفاعی گردآوری و عناصر و قیود حاکم بر مشروعیت آن با تحلیل مفهومی استخراج شده است. در مرحله دوم، قواعد دفاع مشروع در حقوق بین‌الملل عمومی، به‌ویژه بر اساس ماده ۵۱ منشور ملل متحد و رویه‌های قضایی بین‌المللی، تبیین گردیده است. در نهایت، با مقایسه ساختاری عناصر دو نظام، امکان یا امتناع همگرایی هنجاری میان آن‌ها مورد ارزیابی قرار گرفته است.

1. مفهوم شناسی

مفهوم‌شناسی به‌عنوان اساس درک صحیح متون و نصوص دینی، از تحریف معنایی و تفسیرهای نادرست جلوگیری می‌کند. از این رو، در زیر مختصراً به مفهوم شناسی پرداخته می‌شود.

۱. مفهوم جهاد دفاعی در فقه

جهاد در لغت از جَهْد مشتق شده است که به معنای سعی، طاقت و مشقت آمده است (ابن فارس، ج ۱، ص ۴۸۶). جهاد در اصطلاح، تلاش در راه برافراشتن کلمه الله و برپایی حکومت اسلامی است، و هدف آن استقرار حکومت اسلامی در جامعه مسلمانان است. او تأکید می‌کند که جهاد در صدر اسلام تنها به دعوت مسالمت‌آمیز محدود می‌شد، سپس در کنار آن، جنگ با ملحدان، مشرکان و هر کسی که در مقابل اسلام بایستد، تشریع شد. اما درباره اهل کتاب، کافی است که زیر سلطه جامعه اسلامی درآیند و به جای زکات، جزیه پردازند (البوطی، ۱۹۹۳: ۱۳ و ۱۴). این جهاد به دو گونه است:

الف: جهاد ابتدایی

جهاد ابتدایی به معنای آغاز نبرد توسط مسلمانان پیش از هرگونه تجاوز یا تهدید خارجی است که هدف آن گسترش دین اسلام می‌باشد. در مورد مشروعیت و نحوه اجرای این نوع جهاد، دو دیدگاه اصلی در میان فقها وجود دارد: دیدگاه اول: برخی از علمای اسلام معتقدند که گسترش دین باید تنها از طریق راه‌های غیرخسونت‌آمیز مانند تبلیغ، تربیت، و امر به معروف و نهی از منکر صورت گیرد. در این نگاه، جهاد ابتدایی در قالب «جهاد احیای دین» تفسیر می‌شود که جنبه‌ای فرهنگی و اخلاقی دارد، نه نظامی. دیدگاه دوم: گروهی دیگر از فقها استدلال می‌کنند که در صورت داشتن قدرت نظامی کافی و با اجازه حاکم شرعی، ممکن است جهاد ابتدایی به شکل نظامی برای نشر احکام اسلام و حفظ تمامیت دین مشروع باشد؛ هرچند این دیدگاه با ملاحظات دقیق فقهی و شرایط خاص همراه است (بروجردی، ۱۴۴۴ق، ص ۲۶؛ رجایی و همکاران، ۱۴۰۰ش، ص ۱۰۱).

ب: جهاد دفاعی

جهاد دفاعی به نبردی گفته می‌شود که در پاسخ به تهاجم مستقیم به سرزمین‌های اسلامی، جان و مال مسلمانان، یا کیان دینی آنان انجام می‌پذیرد. این نوع جهاد با هدف دفع خطر، بازپس‌گیری سرزمین‌های تجاوز شده، یا جلوگیری از سرکوب و ظلم علیه مسلمانان توجیه می‌شود. اکثر فقها بر این باورند که ماهیت اصلی جهاد در اسلام دفاعی است. از دیدگاه اسلامی، هرگونه جنگ که مبتنی بر تجاوز، الحاق سرزمین‌های دیگران، یا بهره‌برداری از قدرت نظامی برای تسخیر اقتصادی یا سیاسی باشد، غیرمشروع و نوعی ظلم تلقی می‌شود (بروجردی، ۱۴۴۴ق، ص ۲۶؛ رجایی و همکاران، ۱۴۰۰ش، ص ۱۰۱).

۱، ۲. تمایز جهاد دفاعی و جهاد ابتدایی

در یک تقسیم‌بندی کلی که جهاد به دو نوع اصلی ابتدایی و دفاعی تقسیم می‌شود در زیر به تمایز این دو مختصراً اشاره می‌گردد. ۱- جهاد ابتدایی که با هدف دعوت غیرمسلمانان به اسلام و رفع موانع گسترش دین انجام می‌گیرد. ۲- جهاد دفاعی که به منظور دفاع از کیان اسلام، مسلمانان، سرزمین‌های اسلامی، جان، مال و ناموس آنان در برابر تهاجم دشمن صورت می‌پذیرد.

اکثریت قاطع فقهای اسلام، دفاع را گونه‌ای از جهاد محسوب کرده‌اند و آن را مشمول عمومات و اطلاعات ادله شرعی (آیات و روایات) می‌دانند. آنان این ادعا که آیات و روایات جهاد تنها مربوط به جهاد ابتدایی است و احکام آن بر دفاع جاری نمی‌شود، رد کرده‌اند. اگرچه بین جهاد ابتدایی و دفاعی در برخی فروع و احکام تفاوت‌هایی وجود دارد، اما در بسیاری از احکام دیگر با یکدیگر مشترک‌اند. فقها وجود این تفاوت‌ها در پاره‌ای از احکام را موجب خروج دفاع از دایره مفهومی و حکمی جهاد ندانسته‌اند. به عنوان مثال، شهید ثانی و امام خمینی پس از بیان جهاد ابتدایی، قسم دوم جهاد را جهاد دفاعی معرفی می‌کند؛ هنگامی واجب می‌شود که دشمنان کافر بر مسلمانان هجوم آورند و قصد تسلط بر سرزمین‌های اسلامی، اسیر گرفتن مسلمانان، غارت اموال یا تعرض به جان، ناموس و حریم آنان را داشته باشند (شهید ثانی، ۱۳۸۳، ج ۸، ص ۳۷۲؛ امام خمینی، ۱۳۸۵، ص ۴۶۲-۴۶۱). همچنین شیخ محمدرضا همدانی در رساله‌ای با عنوان «ترغیب المسلمین إلی دفاع المشرکین»، دفاع از مسلمانان را جهاد در راه خدا و از برترین قربت‌های الهی شمرده است (رجبی، ۱۳۷۸، ص ۲۰۸). بنابراین، تفاوت جهاد دفاعی و ابتدایی این است که جهاد دفاعی عمومیت دارد و مقید به هیچ شروطی نیست. ولی جهاد ابتدایی دارای شرایطی از قبیل مرد بودن و آزاد بودن، اذن حاکم و اذن ولی است.

۱، ۳. مفهوم دفاع مشروع حقوق بین الملل

دفاع مشروع از بنیادی‌ترین اصول حقوقی است که هم در نظام‌های حقوق داخلی و هم در حقوق بین‌الملل جایگاهی محوری دارد. این مفهوم به عنوان یک اصل کلی حقوقی، ناظر بر حق واکنش در برابر تجاوز و تهاجم نامشروع است و در عرصه بین‌المللی به طور خاص با دفع تجاوز مسلحانه و حفظ تمامیت ارضی و استقلال سیاسی دولت‌ها پیوند می‌خورد (هاشمی شاهرودی، ۱۴۱۷، ج ۳: ۱۷۵؛ ضیایی بیگدلی، ۱۴۰۰، ۵۴۳).

واژه «دفاع» مصدر باب مفاعله از ریشه «دفع» است و در لغت به معانی متعددی چون راندن و دور کردن با قوت، بازگرداندن، سد کردن، حمایت و یاری کردن، و حتی کوچ کردن آمده است (ابن منظور،

۱۴۱۴، ج ۱: ص ۵۱۱). این گستره معنایی نشان می‌دهد که عنصر اساسی در دفاع، «دفع و رفع

تعرض» است؛ خواه این تعرض نسبت به فرد باشد یا نسبت به یک جامعه سیاسی.

واژه «مشروع» نیز از ماده «شرع» گرفته شده است. «شرع» در لغت به معنای راه روشن و مستقیم و نیز به معنای دین و آیین آمده است؛ از این رو «مشروع» به هر آنچه مورد تأیید شرع و مجاز از منظر آن باشد اطلاق می‌شود. بنابراین، ترکیب «دفاع مشروع» به معنای دفاعی است که نه تنها واکنشی به تجاوز است، بلکه از منظر قواعد معتبر حقوقی و شرعی نیز مجاز و موجه شمرده می‌شود. در حقوق داخلی، حقوقدانان دفاع مشروع را چنین تعریف کرده‌اند: «مقاومت در برابر تجاوز نامشروعی که واقع شده یا در شرف وقوع است» (بهشتی دامغانی، ۱۳۹۱، ص ۱۵-۱۷). برخی دیگر تصریح کرده‌اند که هرگاه شخص مورد تهاجم قرار گیرد و فرصت توسل به قوای عمومی برای دفع تجاوز را نداشته باشد، حق دارد با نیروی شخصی از جان، مال و ناموس خود دفاع کند. بر این اساس، دفاع مشروع در حقوق داخلی ناظر بر واکنش ضروری و فوری در برابر تجاوز فعلی یا قریب‌الوقوع است؛ واکنشی که به دلیل فقدان امکان مداخله مؤثر دولت، به خود فرد واگذار می‌شود (زندآبادی و همکاران، ۱۳۹۷، ص ۶۹).

در فقه اسلامی، هرچند فقها غالباً به تعریف صریح دفاع مشروع نپرداخته و بیشتر شرایط و احکام آن را تبیین کرده‌اند، اما اصل مشروعیت دفاع امری بدیهی و پذیرفته‌شده تلقی شده است. صاحب جواهر میان «جهاد» و «دفاع» تفکیک می‌کند و می‌نویسد: جنگ با کسانی که به مسلمانان حمله کرده‌اند، هرچند دفاع است، اما به جهاد ملحق می‌شود؛ در حالی که دفاع در برابر کسی که قصد قتل نفس محترمه، غصب مال یا اسارت خانواده را دارد، از مقوله جهاد اصطلاحی نیست بلکه دفاع محسوب می‌شود و از این رو در ابواب حدود مورد بحث قرار گرفته است (نجفی، ۱۳۶۳، ج ۱۷، ص ۴-۵).

در فقه اهل سنت نیز دفاع مشروع نه تنها در معنای خاص دفاع از نفس و مال، بلکه در معنای عام‌تر در چارچوب امر به معروف و نهی از منکر مورد توجه قرار گرفته است. عبدالقادر عوده در بحث لزوم اذن امام برای اجرای امر به معروف و نهی از منکر بیان می‌کند که هرچند برخی فقها اخذ اذن را برای جلوگیری از هرج و مرج لازم می‌دانند، مشهور فقها این شرط را ضروری نمی‌دانند (عوده، بی تا: ۵۰۰). وی در نهایت دفاع مشروع را حقی برای هر انسان در حمایت از جان خود یا دیگری و نیز حقی در دفاع از مال خود یا دیگران در برابر هرگونه تجاوز فعلی و نامشروع می‌داند، حتی اگر این دفاع با هر وسیله ضروری برای دفع تجاوز صورت گیرد (همان: ص ۴۷۳).

در سطح بین‌المللی، مفهوم دفاع مشروع از سطح فردی فراتر رفته و به سطح دولت‌ها ارتقا می‌یابد (احمدی نیک، حسن زاده، ۱۴۰۴: ص ۱۹). در این حوزه، مقصود از دفاع مشروع، «دفع تجاوز و تهاجم خارجی به مرزها و سرزمین یک کشور توسط دولتی است که مورد تهاجم قرار گرفته است». به بیان دیگر، هنگامی که یک دولت قربانی تجاوز مسلحانه شود، حق دارد برای سرکوب دشمن متجاوز و دفع حمله، به زور متوسل شود (هاشمی شاهرودی، ۱۴۱۷، ج ۳: ص ۱۷۵). امروزه دفاع مشروع به عنوان یک اصل کلی حقوقی در نظام بین‌المللی به رسمیت شناخته شده است. این اصل به کشوری که مورد تجاوز مسلحانه قرار گرفته، اجازه می‌دهد به فوریت و تا زمانی که تجاوز ادامه دارد، برای دفع آن از زور استفاده کند (ضیایی بیگدلی، ۱۴۰۰، ص ۵۴۳). البته این توسل به زور، استثنایی بر اصل منع توسل به زور در روابط بین‌الملل است و به همین دلیل، باید در چارچوب شرایط و ضوابط خاص خود اعمال شود.

با توجه به آنچه گذشت، دفاع به طور کلی قابل تقسیم به دو قسم مشروع و نامشروع است. اصطلاح «دفاع مشروع» ناظر بر واکنشی است که نه تنها در برابر تجاوز صورت می‌گیرد، بلکه از حیث عقل، شرع و عرف نیز موجه و مجاز شناخته می‌شود. دفاع نامشروع به واکنش نظامی یا استفاده از زوری گفته می‌شود که ظاهراً در برابر یک تجاوز صورت می‌گیرد، اما شرایط و ضوابط حقوقی دفاع مشروع

را رعایت نمی‌کند. در حقوق بین‌الملل، مفهوم دفاع مشروع به معنای حق دولت برای مقاومت در برابر تهاجم مسلحانه و سرکوب آن به منظور حفظ موجودیت، استقلال و تمامیت ارضی خویش است.

از این رو، در چارچوب این مقاله، مراد از دفاع مشروع در حقوق بین‌الملل، «مقاومت در برابر تهاجم و تجاوز دشمن و اتخاذ اقدامات لازم برای دفع و سرکوب آن، در حدود ضوابط حقوقی پذیرفته‌شده» خواهد بود؛ مفهومی که ریشه در لغت، فقه و حقوق داخلی دارد و در عرصه بین‌المللی به عنوان یکی از مهم‌ترین استثنای اصل منع توسل به زور تثبیت شده است.

رابطه منطقی جهاد دفاعی و دفاع مشروع

جهاد دفاعی و دفاع مشروع هر دو «واکنشی مشروع به تجاوز» هستند، اما در دو رکن اساسی تفاوت دارند: نخست، گستره موضوعی که جهاد دفاعی افزون بر جان، مال، ناموس و سرزمین، «دفاع از کیان دینی» را نیز دربرمی‌گیرد؛ دوم، ساختار فاعل که در دفاع مشروع دولت محور است، اما در جهاد دفاعی، امت و مراجع فرادولتی دینی نیز می‌توانند عهده‌دار دفاع شوند. با این حال، رابطه میان جهاد دفاعی و دفاع مشروع از نوع «عموم و خصوص من وجه» است؛ به این معنا که این دو مفهوم نه کاملاً بر هم منطبق‌اند و نه یکی به طور مطلق بر دیگری احاطه دارد. این رابطه در سه بخش تبیین می‌شود: بخش مشترک آن جایی است که هر دو نهاد، دفاع از سرزمین و تمامیت ارضی در برابر تجاوز نظامی خارجی را مجاز می‌شمارند. بخش اختصاصی جهاد دفاعی شامل دفاع از کیان دینی و حفظ آزادی ایمان است، حتی در غیاب تجاوز نظامی و مسلحانه. بخش اختصاصی دفاع مشروع نیز ناظر بر مصادیقی همچون دفاع فردی از جان در برابر حمله خیابانی در حقوق داخلی است که عنوان جهاد دفاعی بر آن صدق نمی‌کند. در نتیجه، هرگونه تلاش برای تطبیق یا هم‌راستایی این دو نهاد، باید با عنایت به تفاوت در گستره موضوعی و ساختار فاعل دفاع صورت پذیرد تا از خلط مفاهیم یا تحمیل نادرست یک نظام بر نظام دیگر پرهیز گردد.

۴، ۱. جایگاه دفاع مشروع در منشور ملل متحد

دفاع مشروع در منشور ملل متحد به عنوان استثنایی محدود بر اصل منع توسل به زور شناسایی شده است. مطابق ماده ۲ بند ۴ منشور، کلیه اعضا باید از تهدید به زور یا استفاده از آن علیه تمامیت ارضی یا استقلال سیاسی هر دولت خودداری کنند (United Nations, 1945, art. 2(4)). با این حال، منشور در ماده ۵۱ تصریح می‌کند که «در صورت وقوع حمله مسلحانه علیه یک عضو ملل متحد»، هیچ‌یک از مقررات منشور به «حق ذاتی دفاع مشروع فردی یا جمعی» لطمه وارد نمی‌کند (United Nations, 1945, art. 51). بدین ترتیب، دفاع مشروع به عنوان حقی شناسایی شده در متن منشور، تنها در واکنش به حمله مسلحانه قابل اعمال است.

همچنین بر اساس همان ماده، اعمال این حق تا زمانی ادامه دارد که شورای امنیت اقدامات لازم برای حفظ صلح و امنیت بین‌المللی را اتخاذ نکرده باشد و دولت مدافع مکلف است اقدامات خود را فوراً به شورای امنیت گزارش دهد (United Nations, 1945, art. 51). بنابراین، دفاع مشروع در چارچوب منشور نهادی استثنایی، موقتی و مشروط است که در تعامل با نظام امنیت جمعی و تحت نظارت شورای امنیت اعمال می‌شود و نمی‌تواند به عنوان مجوزی عام برای توسل یک‌جانبه و نامحدود به زور تلقی گردد.

۵، ۱. دفاع پیشگیرانه و تهدیدات غیر دولتی

در حقوق بین‌الملل معاصر، بحث دفاع پیشگیرانه (Preemptive Self-Defense) از پیچیده‌ترین موضوعات نظری و عملی است. برخلاف دفاع مشروع کلاسیک که محدود به پاسخ به حمله مسلحانه بالفعل است، دفاع پیشگیرانه به معنای استفاده از زور در مواجهه با تهدید قریب‌الوقوع یا محتمل علیه امنیت یک دولت است. این مفهوم، به ویژه در مواجهه با تهدیدات غیر دولتی مانند گروه‌های تروریستی یا سازمان‌های مسلح غیردولتی، مورد بحث و چالش قرار گرفته است (ظریف، آهنی، ۱۳۹۱، ۵۲).

حق دفاع پیشگیرانه، اگرچه از لحاظ اصول سنتی حقوق بین‌الملل محدودیت‌های شدیدی دارد، در شرایطی که تهدید قریب‌الوقوع، ملموس و غیرقابل اجتناب باشد، به عنوان استثناء به رسمیت شناخته شده است. معیارهای مورد قبول برای مشروعیت این دفاع عبارتند از ضرورت فوری، تناسب پاسخ و محدودیت اقدامات نظامی به اهداف تهدیدکننده. به بیان دیگر، نمی‌توان به صرف احتمال یا پیش‌بینی تهدید از زور استفاده کرد، بلکه وجود شواهد عینی از قصد و ظرفیت حمله، شرط اصلی مشروعیت است (رجبی تاج امیر، رضا زاده سلطان آباد، ۱۴۰۰، ص ۱۰۲).

در فقه اسلامی نیز مفهوم مشابهی قابل ردیابی است. گرچه اصول جهاد دفاعی عمدتاً برای تجاوز بالفعل تدوین شده، اما آموزه‌های فقهی مانند پیشگیری از فتنه و حفاظت از جان و مال مسلمانان، امکان واکنش محدود و مبتنی بر ضرورت قبل از وقوع تجاوز را تأیید می‌کند. فقها تأکید دارند که اقدام پیشگیرانه باید دقیق، متناسب و محدود باشد و از گسترش آسیب به غیرنظامیان جلوگیری کند.

به طور عملی، ظهور تهدیدات غیر دولتی، مانند گروه‌های تروریستی بین‌المللی، نیازمند بازتعریف مرزهای دفاع مشروع و جهاد دفاعی است. این وضعیت نشان می‌دهد که هم در فقه و هم در حقوق بین‌الملل، معیارهای اخلاقی، ضرورت و تناسب نقش محوری دارند و هر گونه اقدام پیشگیرانه باید با رعایت این اصول، مشروعیت و پذیرش بین‌المللی پیدا کند (سمامی، ۱۳۹۹: ۹۱).

۲. مبانی و شرایط جهاد دفاعی از منظر فقه اسلامی

جهاد دفاعی در فقه اسلامی، با ماهیتی تکلیفی و مشروعیتی ذاتی، همواره در پرتو دو محور تأسیسی و تطبیقی مورد تأمل فقهای قرار گرفته است؛ از یک سو مبانی استدلالی و شرعی آن در قرآن، سنت و عقل، و از سوی دیگر ضوابط دقیق تحقق عملی آن در عرصه واقع. این دوگانگی نظری-عملیاتی، که هسته تحلیل فقهی جهاد دفاعی را تشکیل می‌دهد، در دو بخش مبانی و شرایط، مورد بررسی تفصیلی قرار خواهد گرفت.

۲.۱. مبانی مشروعیت جهاد دفاعی در فقه اسلامی

در زیر به مبانی مشروعیت جهاد دفاعی از نگاه قرآن، سنت و عقل پرداخته می‌شود:

الف: دفع ظلم

عدم تجاوز یک اصل کلی در اسلام است. کسانی که این اصل را نقض می‌کنند خداوند جهاد دفاعی را به عنوان یک راهکار بر علیه ظلم و تعدی مشروع نموده است و می‌فرماید: «وَقَاتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ الَّذِينَ يَقَاتِلُونَكُمْ وَلَا تَعْتَدُوا إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْمُعْتَدِينَ» (البقره/۱۹۰). هم چنین تاکید می‌نماید: «فَمَنْ أَعْتَدَىٰ عَلَيْكُمْ فَأَعْتَدُوا عَلَيْهِ بِمِثْلِ مَا أَعْتَدَىٰ عَلَيْكُمْ» (البقره/۱۹۴)؛ یعنی هر کس به شما تجاوز کرد، شما نیز در حد و اندازه تجاوز او در دفاع از خود باید اقدام کنید. مفهوم جهاد در قرآن کریم، به ویژه در بُعد دفاعی آن، همواره مورد تاکید قرآن بوده است، در این راستا، آیه ۳۹ سوره حج به عنوان یکی از بنیادین ترین مصادیق «اجازه جهاد دفاعی» مطرح می‌شود: «أُذِنَ لِلَّذِينَ يُقَاتِلُونَ أَنَّهُمْ ظَلَمُوا وَإِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ نَصْرِهِمْ لَقَدِيرٌ» (الحج/۳۹). به کسانی که به قتل می‌رسند اجازه داده شد [که دفاع کنند] چرا که به ظلم گرفتار شده‌اند؛ و خداوند برای یاری رسانی به آنان تواناست.

«أُذِنَ لِلَّذِينَ» یعنی جنگ برای ایشان مباح گردید؛ جنگی که در چارچوب دفاع از نفس و عرض و دین صورت می‌پذیرد. یعنی خداوند سبحانه و تعالی به مسلمانانی که دشمنان ایشان - دشمنان خدا و دین - به صورت تجاوزکارانه به جنگ با آنان هجوم آورده‌اند، اجازه داده است که در مقابل تجاوز و ظلم ایستادگی کنند و دست ستمگر را از خود دفع نمایند. این نوع قتال، نه تنها مشروع است، بلکه در شرایط لزوم، واجب می‌باشد؛ چرا که در آن، شکستن نیروی طغیان و خاموش سازی آتش ستمگران نهفته است (خطیب، ۱۴۲۴ق، ج ۹، ص ۱۰۴۳). در عبارت «بِأَنَّهُمْ ظَلَمُوا»، علت اذن الهی به جهاد بیان شده است؛ یعنی خداوند به کسانی که مورد جنگ و تجاوز قرار گرفته‌اند، به این دلیل اجازه دفاع داده که مظلوم واقع شده‌اند. پس این جنگ، جنگ دفاعی است نه تهاجمی؛ و به همین دلیل، مؤمنان در این راه، با نصرت و یاری الهی مؤید اند: «وَإِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ نَصْرِهِمْ لَقَدِيرٌ». چرا که تمام قوا در دست اوست و هیچ کس بر خدا غالب نیست. در این آیه، تشویقی نهفته برای مظلوم - هر چند ضعیف باشد - که در برابر ستمگر ایستادگی کند؛ زیرا او به نصرت الهی وعده‌دار است و خداوند متعال او را در

راه دفاع از حق، یاری خواهد کرد (خطیب، ج ۹، ص ۱۰۴۳). این آیه در سال دوم هجرت، پس از مهاجرت مسلمانان به مدینه و در پاسخ به فشار نظامی و اقتصادی مشرکان مکه که مانع از بازگشت مسلمانان به وطن و اموالشان می‌شدند، نازل گردید (طباطبایی، ۱۳۵۲ ش، ج ۱۴، ص ۳۸۴؛ طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۱۵، ص ۱۸۲). بنابراین، نکته کلیدی در این آیه، تأکید بر شرط ظلم و تجاوز به عنوان مبنای مشروعیت جهاد است؛ یعنی جهاد دفاعی تنها در چارچوب دفاع از حق مشروع، نه به عنوان اقدام تهاجمی، مشروعیت می‌یابد.

ب: اهتمام به امور مسلمانان

در مورد جهاد دفاعی احادیث فراوانی وجود دارد که از جمله حدیثی است که پیامبر (ص) به اهتمام امور مسلمین تأکید می‌نمایند: «مَنْ أَصْبَحَ لَا يَهْتَمُّ بِأُمُورِ الْمُسْلِمِينَ فَلَيْسَ بِمُسْلِمٍ» (مجلسی، بی‌تا، ج ۷۱، ص ۳۳۷). هر که صبح کند و به امور مسلمانان اهتمام نرزد، مسلمان نیست. در حدیث دیگر آمده است که پیامبر (ص) فرموده‌اند: «مَنْ أَصْبَحَ لَا يَهْتَمُّ بِأُمُورِ الْمُسْلِمِينَ فَلَيْسَ فِي شَيْءٍ، وَمَنْ شَهِدَ رَجُلًا يَنَادِي يَا لِلْمُسْلِمِينَ، فَلَمْ يَجِبْهُ فَلَيْسَ مِنَ الْمُسْلِمِينَ» (مجلسی، بی‌تا، ج ۷۲، ص ۲۱)؛ هر که صبح کند و به امور مسلمانان اهتمام نرزد، مسلمان نیست. و هر کس بشنود که مردی فریاد بر می‌آورد: «ای مسلمانان کمک!» و او را پاسخ ندهد، از مسلمانان نیست.

در کتاب‌های روایی اهل سنت نیز احادیث به این محتوا آمده است که از حذیفه بن الیمان روایت شده و رسول الله (ص) فرموده‌اند: «مَنْ لَا يَهْتَمُّ بِأَمْرِ الْمُسْلِمِينَ، فَلَيْسَ مِنْهُمْ، وَمَنْ لَمْ يَصْبِحْ وَيَمْسِي نَاصِحًا لِلَّهِ وَلِرَسُولِهِ وَلِكِتَابِهِ وَلِإِمَامِهِ وَلِعَامَةِ الْمُسْلِمِينَ فَلَيْسَ مِنْهُمْ» (طبرانی، بی‌تا، ج ۲، ۱۳۱)؛ هر کس به امور مسلمانان اهمیت ندهد و در آن‌ها بی‌تفاوت باشد، از آنان محسوب نمی‌شود؛ و هر کس صبح و شام ناصح خدا، رسولش، کتابش، امامش و عموم مسلمانان نباشد، از جمله آنان محسوب نخواهد شد. احادیث مذکور با تأکید بر «اهتمام به امور مسلمانان» و «نصیحت برای عموم مؤمنان»، بی‌تفاوتی در برابر تهدیدات وجودی جامعه اسلامی را ناسازگار با ایمان می‌داند؛ از این رو، جهاد دفاعی در

برابر تجاوز دشمن، نه تنها یک حکم فقهی، بلکه تجلی عملی همان نصیحت و اهتمامی است که از مصادیق تحقق واجب عینی تبعیت از جامعه مؤمنان محسوب می‌شود.

ج: حسن دفاع و قبح تسلیم

مبانی عقلی از دو مقدمه (صغری و کبری به اصطلاح منطقی) تشکیل می‌شود و نتیجه حاصل از آن، دستیابی به حکم الهی در مسئله‌ای است که عقل بر آن حکم می‌کند. نه از آن رو که عقل خود، قانون‌گذار است و شریعت پیرو عقل می‌باشد، بلکه از این جهت که عقل، حکم شرعی را کشف می‌کند؛ پس حکم عقل، کشف‌کننده حکم شرعی است. دو مقدمه‌ای که دلیل عقلی در وجوب جهاد دفاعی از آن‌ها تشکیل می‌شود، به شرح زیر است:

۱. حکم عقل به حسن دفاع و وجوب آن از نفس، مال، آبرو، وطن، جامعه، خانواده و قبیله؛ و نیز قبح تسلیم در برابر دشمن و پذیرش ذلت و خواری در حالی که توان مقاومت و احتمال موفقیت و پیروزی با درجه‌ای معقول و مقبول نزد خردمندان وجود دارد. این، حکم عقل عملی است.

۲. اثبات ملازمه میان حکم عقل به حسن دفاع و ضرورت آن، و قبح تسلیم در برابر دشمنی که به سرزمینی یورش می‌برد، حقوق و اموال آن را می‌رباید، آن را خوار و ذلیل می‌سازد؛ و میان حکم شرع به وجوب دفاع و حرمت تسلیم در برابر دشمن. این، حکم عقل نظری است که در این قیاس، نقش کبری را ایفا می‌کند. بنابراین، از این دو مقدمه وجوب مقاومت در برابر ظلم و حکم به قبح آن و هم‌چنان وجوب دفاع از سرزمین و حکم به حسن آن به دست می‌آید (الاصفی، ۱۴۳۰ق، ص ۲۱۱، ۲۱۲). در نتیجه، وجوب دفاع، جهاد دفاعی و مقاومت در برابر تجاوز، به مثابه حکمی شرعی، از رهگذر دلیل عقلی منسجم و مبتنی بر اصل ملازمه، کشف و اثبات می‌شود.

۲، ۲. شرایط و قیود مشروعیت جهاد دفاعی

در فقه سیاسی امامیه و اهل سنت، جهاد دفاعی به مثابه تکلیفی عمومی و واجب عینی در مقابله با تجاوز به قلمرو، جان و اعتقادات مسلمانان شناخته می‌شود. از طرف فقهاء شرایط و قیودی نیز در نظر گرفته شده است که در زیر بدان پرداخته می‌شود.

الف: تحقق تجاوز و تهدید واقعی

در صورتی که کفار حمله کنند و یا قصد هجوم به بلاد مسلمین و محو شعائر اسلامی و شریعت را داشته باشند، دفاع از کشورهای اسلامی بر همگان واجب می‌گردد و نیز اگر دشمن مبادرت به جنگ نماید مقابله با او از جهاد واجب محسوب می‌شود و نیازی به اذن امام ندارد (نجفی، ۱۴۰۱ق، ج ۲۱، ص ۱۴). در نهایت، او با تأکید بر جامعیت مفهوم جهاد، تصریح می‌کند که «جهاد اعم از جهاد ابتدایی و جهاد دفاعی است» و تقسیم‌بندی فقها مؤید این اطلاق است. نجفی با اشاره به اجماع نتیجه می‌گیرد که «مقتول در جهاد دفاعی شهید است همان گونه که مقتول در جهاد ابتدایی با حضور امام شهید است» (نجفی، ۱۴۰۱ق، ج ۲۱، ص ۱۶). این وجوب جمعی، فارغ از شرایط خاص حاکمیتی و محدود به زمان حضور امام معصوم است. به همین سیاق، فقهاء نیز تهاجم کفار به سرزمین‌های اسلامی با هدف تسلط بر مسلمانان و غارت اموال آنان را از موجبات وجوب جهاد دفاعی می‌دانند (عاملی، ۱۴۱۳ق، ج ۳، ص ۸؛ امام خمینی، ۱۳۸۵، ص ۴۶۱-۴۶۲). از نظر وی، این نوع جهاد مشروط به اذن امام نیست و به محض وقوع تجاوز، تکلیف شرعی تحقق می‌یابد. همچنین علامه حلی با تأکید بر جنبه دفاعی، وجوب دفع تجاوز از جان، مال و ناموس مسلمانان را مورد تصریح قرار داده و برای کسی که در این راه کشته می‌شود، حکم «شهید» قائل شده است (نجفی، ۱۴۰۱ق، ج ۲، ص ۵۷۱). حکم ورود دشمن به شهر، شامل مواردی نیز می‌شود که دشمن تنها بر شهر مسلط شده و آن را در محاصره یا موقعیت تهدیدآمیزی قرار دهد [و لزوماً وارد شهر نشده باشد]. و زنان نیز در این مورد هم‌رده بردگان هستند؛ یعنی اگر در دفاع توانایی داشته باشند، بر ایشان نیز شرکت در دفاع واجب است. (شرینی، بی‌تا، ج ۱۷، ص ۲۸۳). ابن عابدین در حاشیه «رد المحتار» در کتاب «السیر» در مورد جهاد دفاعی می‌نویسد: «جهاد در صورت هجوم دشمن، فرض عین است.» سپس ادامه می‌دهد و می‌گوید: «هر سرزمینی که احتمال هجوم از سوی دشمن به آن برود، حفظ آن سرزمین بر عهده امام یا ساکنان آن منطقه واجب است؛ و چنانچه آنان قادر به دفاع نباشند، بر اهالی نزدیک‌ترین مناطق به تدریج واجب می‌شود که برای یاری‌رسانی به آنان بپردازند تا زمانی که تعداد کافی برای

مقابله با دشمن فراهم آید.» در عبارت درالمختار آمده است: «جهاد فرض عین می‌شود هنگامی که دشمنان به یکی از ثغور (مرزهای حساس) اسلام تجاوز کنند؛ در این صورت، جهاد بر آنان که در نزدیکی آن ثغر قرار دارند و توانایی مقابله را دارند، فرض عین خواهد بود.» (ابن عابدین، ۱۴۱۵ق، ج ۴، ص ۲۹۹). هم‌چنین در مذهب حنفی تاکید شده است که در صورت تجاوز دشمن به قلمروی اسلامی، دفاع از آن به مثابه فرض عین بر عهده تمام ساکنان منطقه تحمیل می‌گردد؛ به گونه‌ای که زن بدون رضایت شوهر و حتی بنده (برده) مشغول بدون اجازه مالک نیز مکلف به خروج برای دفاع هستند، چراکه شرایط اضطراری تهدید وجودی، احکام عادی اطاعت را منسوخ می‌سازد (بابرتی، بی تا، ج ۷، ص ۴۳۹). در مجموع، منابع فقهی امامیه و حنفیه بر این نکته کلیدی دلالت دارد که جهاد دفاعی در شرایط وقوع تهاجم و تهدید آ»، از حیث فقهی از یک تکلیف جمعی (فرض کفایه) به تکلیفی فردی و عینی (فرض عین) تبدیل می‌شود و این تغییر حکم، حتی موانع شرعی عادی اطاعت فردی را در برابر تکلیف جمعی حفظ دارالاسلام زایل می‌سازد؛ امری که ریشه نظری مفهوم «مقاومت» در فقه سیاسی اسلامی را تبیین می‌کند.

ب: اذن حاکم

در گفت‌وگو میان فقه سیاسی امامیه، تمایز بنیادین میان «جهاد ابتدایی» و «جهاد دفاعی» از محورهای اساسی در تبیین مشروعیت مقاومت در عصر غیبت محسوب می‌شود. در اثر فقهی امامیه با تکیه بر روش استنباط اصولی و تحلیل ادله شرعی، به تفکیک دقیق احکام این دو قسم می‌پردازد. جهاد ابتدایی را مشروط به اذن امام می‌داند، در حالی که مشروعیت جهاد دفاعی به چنین شرطی وابسته نیست. هم‌چنین با به کارگیری اصل «استصحاب» در مقام استدلال، چنین استنتاج می‌کند که اگر دفاع در زمان «بسط ید» امام (دوره حضور) جهاد محسوب می‌شد، این حکم در عصر غیبت نیز «بر همان حال باقی» است (نجفی، ۱۴۰۱، ج ۲۱، ص ۱۴). با تصریح بر این که «اگر دشمن مبادرت به جنگ نماید مقابله با او از جهاد واجب محسوب می‌شود و نیازی به اذن امام ندارد» (نجفی، ۱۴۰۱ق، ج ۲۱، ص ۱۴)، وجوب دفاع را در زمره جهاد واجب، حتی در فقدان امام معصوم، قرار می‌دهد. نجفی

با استناد به اطلاق ادله جهاد استدلال می‌کند که دفاع در برابر تهاجم دشمن، ذیل عموم این ادله قرار گرفته و از این رو، «دفاع از اقسام جهاد و داخل در اطلاعات ادله جهاد است» (همان: ج ۲۱، ص ۱۴).

(امام خمینی (ره) درباره‌ی جهاد دفاعی در ابعاد گوناگون آن در مقابل تهاجم نظامی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی دشمنان اسلام تأکید داشته‌اند. ایشان معتقدند دفاع از سرزمین‌های اسلامی در برابر دشمنی که اساس اسلام و مسلمانان را تهدید می‌کند، به هر شکل ممکن از جمله فدا کردن جان و مال بدون هیچ قید و شرطی واجب است. ایشان هم‌چنین دفاع در برابر سلطه‌ی سیاسی و اقتصادی دشمنان را که به اسارت و خواری سیاسی و اقتصادی مسلمانان و تضعیف آنان می‌انجامد، واجب شمرده‌اند.) (امام خمینی، ۱۳۸۵، صص ۴۶۱-۴۶۲). این دیدگاه، مبنای حکم شهادت برای مقتول در دفاع را فراهم می‌آورد، به گونه‌ای که «مقتول در آن شهید محسوب می‌شود و نیازی به تغسیل و تکفین ندارد» (همان: ج ۲۱، ص ۱۴). در این راستا، فقهای حنفی با تأکید بر اولویت حفظ سرزمین اسلام بیان می‌دارد که در صورت تجاوز دشمن به قلمروی اسلامی، دفاع از آن به مثابه فرض عین بر عهده تمام ساکنان منطقه تحمیل می‌گردد؛ به گونه‌ای که زن بدون رضایت شوهر و حتی بنده (برده) مشغول بدون اجازه مالک نیز مکلف به خروج برای دفاع هستند، چراکه شرایط اضطراری تهدید وجودی، احکام عادی اطاعت را منسوخ می‌سازد (بابرتی، بی‌تا، ج ۷، ص ۴۳۹). در صورتی که کفار وارد شهری از شهرهای ما شوند یا بر جزایر یا کوه‌هایی در دارالاسلام، هرچند در فاصله دور از شهر، مستقر گردند، بر اهالی آن منطقه واجب است که با آنچه از توان و امکانات در اختیار دارند، دشمن را دفع کنند؛ و در این شرایط، جهاد به صورت فرض عین در می‌آید (شریبی، بی‌تا، ج ۱۷، ص ۲۸۳). بنابراین، در جهاد دفاعی به اتفاق فقهای امامیه و حنفیه اذن حاکم، اذن مالک برای برده و اذن ولی شرط نیست، در صورت هجوم دشمن به سرزمین اسلامی تمام افراد جامعه بدون هیچ قید و شرط مکلف به دفاع از سرزمین اسلامی هستند.

ج: فراخوان عمومی برای جهاد دفاعی

و جوب جهاد دفاعی تنها بر مسلمانانی که مستقیماً مورد هجوم دشمن قرار گرفته‌اند، محدود نمی‌شود؛ بلکه بر هر فرد مسلمانی که از وضعیت مورد تهاجم قرار گرفتن سایر برادران دینی خود آگاه باشد، واجب است به یاری آنان بشتابد. این وجوب مشروط بر آن است که نداند مسلمانان مورد هجوم، خود توانایی کافی برای مقاومت دارند. همچنین، ایشان تأکید می‌کنند که این تکلیف، متفاوت و تشدید شده برای کسانی است که به منطقه درگیری نزدیک‌تر هستند و امکان کمک‌رسانی بهتری دارند (شهید ثانی، ۱۳۸۳، ج ۳، ۸). هنگامی که فراخوان عمومی (نفیر عام) صادر شود؛ یعنی دشمن به سرزمینی [اسلامی] هجوم آورد، جهاد دفاعی بر هر یک از مسلمانان که توانایی آن را دارد، به صورت فریضه عینی واجب می‌شود. به دلیل سخن خداوند متعال که می‌فرماید: «انْفِرُوا خِفَافًا وَثِقَالاً» (توبه/۴۱) که گفته شده درباره جهاد (نفیر) نازل شده است. و نیز سخن او که می‌فرماید: «مَا كَانَ لِأَهْلِ الْمَدِينَةِ وَمَنْ حَوْلَهُمْ مِنَ الْأَعْرَابِ أَنْ يَتَخَلَّفُوا عَنْ رَسُولِ اللَّهِ وَلَا يَرْغَبُوا بِأَنْفُسِهِمْ عَنْ نَفْسِهِ» (توبه/۱۲۰) و همچنین به این دلیل که وجوب [جهاد] بر همگان، پیش از وقوع هجوم عمومی نیز ثابت است؛ زیرا سقوط تکلیف از دیگران، مشروط به انجام آن توسط گروهی است. پس وقتی هجوم عمومی رخ دهد، تحقق این وظیفه جز با حضور همگان ممکن نیست. بنابراین، همچون روزه و نماز، به صورت فریضه عینی بر همگان فرض است. از این رو، زن بدون اجازه شوهر [می‌تواند] خارج شود، و برای پسر [و فرزند] نیز خارج شدن بدون اجازه والدینش جایز است، و دیگران نیز به همین صورت هستند (کاسانی، ۱۴۲۴ق، ج ۹، ص ۳۸۲). ابن‌الهمام در «فتح‌القدیر» ضمن تأصیل استدلالی این حکم، بر مبنای قاعده «الضرورات تبیح المحظورات» و اولویت حفظ جماعت بر فرد، استدلال می‌نماید که تجاوز نظامی دشمن به سرزمین اسلام، نه تنها مشروعیت دفاع را تأکید می‌کند، بلکه آن را به عنوان تکلیفی فردی و غیرقابل اجتناب بر هر مسلمانی که در ظرفیت دفاع قرار دارد، تحمیل می‌نماید؛ زیرا در چنین شرایطی، حفظ کل بر حفظ جزء مقدم است و هیچ مصلحت فرعی نمی‌تواند بر حفظ وجود جامعه اسلامی اولویت یابد (ابن‌الهمام، بی‌تا، ج ۱۲، ص ۳۸۶؛ الحدادی،

۱۳۲۲ق، ج ۶، ص ۶۸). بنابراین، در صورتی که نفیر و یا فراخوان عمومی از طرف ولی امر و رهبر مسلمانان صادر شود، در چنین شرایطی جهاد دفاعی به فرض عین تبدیل می‌شود و برای همه ای مردم ایستادن بر علیه دشمن فرض عین است.

د: تناسب در دفاع (رعایت قانون جنگ)

جنگ با دشمن از راه محاصره، جلوگیری از رفت و آمد افراد، به‌کارگیری منجنیق‌ها، ویران کردن دژها و خانه‌ها و هر وسیله‌ای که امید پیروزی از آن می‌رود، جایز است. با این حال، بریدن درختان، افکندن آتش و رها کردن آب‌ها مگر در صورت ضرورت، مکروه شمرده شده است. ریختن سم بر دشمن حرام است و این نظر به صواب نزدیک‌تر است؛ با این حال، اگر فتح جز از این راه ممکن نباشد، جایز خواهد بود. اگر دشمن از زنان یا کودکان خود به‌عنوان سپر دفاعی استفاده کند، از حمله به آنان خودداری می‌شود، مگر در حال درگیری مستقیم و رویارویی کامل در میدان جنگ (شهید ثانی، ۱۳۸۳ش، ج ۳، ۲۵).

برخی فقها با برخی روش‌ها و راه‌های تحت فشار قرار دادن دشمن در جنگ مخالفند و حتی آن‌ها را مکروه می‌دانند؛ از جمله: پرتاب آتش بر آنان، ریختن آب جوش، قطع درختان و تخریب کلیساها (شافعی، ۱۹۹۴م، ۳۵۷؛ محقق حلی، ۱۴۰۹ق، ۱۳۲۱). همچنین از نقض عهد با دشمن نهی شده و اگر دشمن از زنان، کودکان یا اسیران مسلمان به عنوان سپر دفاعی استفاده کند، از حمله به آنان و اقدام متقابل منع شده‌اند (نووی، ۲۰۰۸م، ۲۹۶). در جنگ، هیچ‌کس حق کشتن زنان و کودکان دشمن را ندارد و برخی فقها افراد سالخورده، پیران، راهبه‌های گوشه‌نشین و کشاورزانی که در جنگ مشارکت نداشته‌اند را نیز به این فهرست افزوده‌اند (محقق حلی، ۱۴۰۹ق، ۴۲۱؛ کاسانی، ۱۴۲۴ق، ج ۹، ص ۳۹۲). بدین ترتیب، فقه اسلامی جهاد و دفاع را مقید به اصل تناسب، ضرورت و تمایز میان رزمنده و غیررزمنده می‌داند و هرگونه خشونت فراتر از نیاز دفاعی را مردود می‌شمارد. از این منظر، مشروعیت دفاع نه در شدت عمل، بلکه در پابندی به اخلاق جنگ، حفظ کرامت انسانی و پرهیز از آسیب به غیرنظامیان معنا می‌یابد.

۳. مبانی و شرایط اصل دفاع مشروع در حقوق بین‌الملل عمومی

اصل دفاع مشروع در حقوق بین‌الملل عمومی بیانگر حقی ذاتی برای دولت‌هاست تا در مواجهه با حمله مسلحانه از امنیت، تمامیت ارضی و استقلال سیاسی خود دفاع کنند. بنابراین، در این نوشتار به مبانی و شرایط اصل دفاع مشروع در حقوق بین‌الملل عمومی پرداخته می‌شود.

۳، ۱. مبانی دفاع مشروع در حقوق بین‌الملل عمومی

دفاع مشروع یکی از اصول بنیادین حقوق بین‌الملل عمومی است که توازن میان اصل منع توسل به زور و حق دولت‌ها برای حفاظت از امنیت و حاکمیت خود را برقرار می‌کند. این اصل بر سه مبنا مبتنی است: مبنای قراردادی، مبنای عرفی، و رویه قضایی بین‌المللی (Kunz, 1947, p. 874; Bowett, 1958, pp. 25-26).

الف: مبنای قراردادی

ماده ۲(۴) منشور سازمان ملل متحد، دولت‌ها را از تهدید یا توسل به زور علیه تمامیت ارضی یا استقلال سیاسی دیگر کشورها منع می‌کند، مگر در مواردی که قانوناً مجاز باشد (Randelzhofer, 1994, pp. 10-11). ماده ۵۱ منشور استثنای مهم دفاع مشروع را به رسمیت می‌شناسد و تصریح می‌کند که: «هیچ چیز در این منشور حق ذاتی اعضا را برای دفاع فردی یا جمعی در صورتی که حمله مسلحانه‌ای علیه یکی از اعضا رخ دهد، مخدوش نمی‌سازد، تا زمانی که شورای امنیت اقدامات لازم را برای حفظ یا بازگرداندن صلح و امنیت بین‌المللی اتخاذ کند» (United Nations, 1945, art. 51). این ماده نشان می‌دهد که دفاع مشروع یک حق ذاتی دولت‌هاست اما مشروط به وقوع حمله مسلحانه و رعایت فرآیند قانونی (اطلاع‌رسانی به شورای امنیت و محدودیت موقت) است (International Law Commission, 2001). همچنین ماده ۵۱ تأکید می‌کند که دفاع مشروع نباید جایگزین اقدامات جمعی شورای امنیت شود (Kunz, 1947, p. 875).

ب: مبنای عرفی

کارولین قبل از منشور، حقوق عرفی بین‌الملل معیارهایی برای مشروعیت دفاع مشروع تدوین کرده بود که بعداً در منشور نیز مورد استناد قرار گرفت. شاخص‌ترین این معیارها آزمون کارولین است که دو قید بنیادین را مشخص می‌کند: ضرورت فوری و قاطع (necessity): دفاع مشروع تنها زمانی مجاز است که تهدید قریب‌الوقوع، غیرقابل اجتناب و بالفعل باشد (Meng, 1958, p. 538; Kearley, 1994, p. 330).

تناسب (proportionality): اقدامات دفاعی باید متناسب با شدت و ماهیت حمله باشند و از پاسخ‌های افراطی یا تجاوز متقابل پرهیز شود (Bowett, 1958, pp. 28-29). بنابراین، حتی در چارچوب منشور، عرف بین‌المللی استانداردهایی عملی برای محدودسازی حق دفاع مشروع فراهم می‌کند و از سوءاستفاده از این حق جلوگیری می‌نماید (Kearley, 2003, pp. 112-113; Schmitt, 2013, pp. 668-669).

ج: رویه قضایی بین‌المللی

دیوان بین‌المللی دادگستری (ICJ) در آرای خود نقش مهمی در تبیین دفاع مشروع داشته است. در پرونده نیکاراگوئه (۱۹۸۶)، دیوان تأکید کرد که شرط لازم برای اعمال دفاع مشروع، وقوع «حمله مسلحانه» واقعی است و ادعاهای مبنی بر استفاده از زور بدون تحقق حمله مسلحانه کافی نیست (Reference.org, 2025, para. 5). همچنین دیوان روشن ساخت که هر عمل خشونت‌آمیز نمی‌تواند به طور خودکار حمله مسلحانه محسوب شود و دولت‌ها باید سطح لازم از زور برای احراز حمله مسلحانه را اثبات کنند (O'Connell, 2010, p. 48). در مورد دفاع پیشگیرانه، دیوان و مفسران حقوق بین‌الملل مانند-32 (Bowett 1958, pp. 33 و Meng (1958, p. 539) تأکید کرده‌اند که دفاع مشروع خارج از چارچوب حمله مسلحانه، تنها در شرایط «تهدید قریب‌الوقوع» و مطابق با معیارهای کارولین مشروعیت دارد.

این رویه قضایی نشان می‌دهد که دفاع مشروع حق مقید و قابل اثبات حقوقی است و نه مجوز خودسرانه برای استفاده از زور (Kearley, 2003, pp. 670-671; International Law Commission, 2001, p. 26).

تلفیق سه رکن فوق نشان می‌دهد که دفاع مشروع در حقوق بین‌الملل عمومی حق ذاتی دولت‌هاست، اما مشروط به وقوع حمله مسلحانه و رعایت معیارهای عرفی و نهادی است. در عرف بین‌المللی، استانداردهای ضرورت و تناسب را برای محدودسازی اعمال دفاع مشروع تعیین می‌کند تا از سوءاستفاده جلوگیری شود. و در رویه دیوان بین‌المللی دادگستری، این حق را از نظر عملی و قانونی سنجیده و معیارهای لازم برای اثبات مشروعیت دفاع را روشن کرده است.

در مجموع، دفاع مشروع در حقوق بین‌الملل عمومی ترکیبی از حق طبیعی، محدودیت عرفی و چارچوب قانونی بین‌المللی است و باید به گونه‌ای اعمال شود که با نظم بین‌المللی و اصل منع توسل به زور سازگار باشد (Randelzhofer, 1994, pp. 14-15; Kearley, 1994, pp. 332-333; O'Connell, 2010, pp. 49-50).

اما مبنای دفاع نامشروع نقض قواعد آمره بین‌المللی از جمله اصل منع توسل به زور (ماده ۲ بند ۴ منشور) است. هرگونه توسل به زور که ذیل ماده ۵۱ یا حقوق عرفی دفاع مشروع قرار نگیرد، نامشروع محسوب می‌شود. مبنای حقوقی آن را می‌توان در رویه قضایی بین‌المللی (مانند دیوان لاهه) و قطعنامه‌های شورای امنیت (که تجاوز را محکوم می‌کند) یافت. از دیدگاه اخلاقی و عقلی نیز، پاسخ نامتناسب یا بی‌موقع به تجاوز، خود نوعی ظلم و تعدی به شمار می‌آید.

۲-۳. شرایط تحقق دفاع مشروع در حقوق بین‌الملل عمومی

در این نوشتار به شرایط تحقق دفاع مشروع در حقوق بین‌الملل عمومی پرداخته می‌شود.

الف: وقوع حمله مسلحانه

اولین شرط اساسی برای توسل به حق دفاع مشروع در حقوق بین‌الملل، وقوع یک "حمله مسلحانه" علیه کشور مدافع است. ماده ۵۱ منشور ملل متحد بیان می‌کند که: «در صورت وقوع حمله مسلحانه

علیه یکی از اعضا، هیچ‌یک از مقررات این منشور به حق ذاتی دفاع مشروع فردی یا جمعی لطمه‌ای وارد نخواهد کرد» (Dinstein, 2005, p. 102). این ماده نشان می‌دهد که حمله مسلحانه شرط لازم (sine qua non) برای اعمال حق دفاع مشروع است. دینشتاین (۲۰۰۵) این مفهوم را به عنوان ماشه‌ای توصیف می‌کند که حق دفاع مشروع را فعال می‌کند و بدون آن، هر اقدام نظامی، تجاوز محسوب می‌شود.

تفاوت میان "حمله مسلحانه" و "استفاده از زور" که در بند ۴ ماده ۲ منشور ملل متحد منع شده، اهمیت ویژه‌ای دارد. هر حمله مسلحانه استفاده از زور است، اما هر استفاده از زور الزاماً حمله مسلحانه محسوب نمی‌شود. دیوان بین‌المللی دادگستری در قضیه نیکاراگوئه علیه ایالات متحده (۱۹۸۶) معیار شدت (gravity) را برای تعیین حمله مسلحانه مطرح کرد و اقداماتی مانند حمایت محدود از شورشیان را به دلیل عدم شدت کافی، مصداق حمله مسلحانه ندانست (Ruys, 2010, pp. 45-48; Gray, 2018, p. 348). در مقابل، اعزام گروه‌های مسلح یا عملیات شبه‌نظامی با شدت مشابه نیروهای مسلح رسمی، می‌تواند مصداق حمله مسلحانه از سوی دولت تلقی شود (Gill & Fleck, 2015, pp. 76-78).

یکی از موضوعات پیچیده، تسری مفهوم حمله مسلحانه به اقدامات گروه‌های غیردولتی است. شری (۲۰۱۰، pp. 64-66) اشاره می‌کند که رویه دولت‌ها و دکترین حقوقی، در مواردی حملات گروه‌های مسلح مستقر در خاک کشور دیگر را، به شرط شدت عمل و انتساب به دولت مبدا، حمله مسلحانه تلقی می‌کنند. این رویکرد با اصول حقوق بین‌الملل عرفی سازگار است؛ پیش از تدوین منشور ملل متحد، قاعده عرفی حق دفاع بر مبنای وقوع تجاوز ناروا شکل گرفته بود که قضیه کارولین (۱۸۳۷) نمونه کلاسیک آن است و ضرورت پاسخ فوری در برابر حمله را تأکید می‌کند (Brownlie, 1963, p. 34; Westlake, 1904, p.).

به طور کلی، حمله مسلحانه باید تمامیت ارضی یا استقلال سیاسی کشور مدافع را هدف قرار دهد تا شرط آغازگر حق دفاع مشروع فراهم شود. با توجه به تحلیل‌های رویه قضایی و دکترین، شرط حمله مسلحانه، معیار حداقلی و ضروری است که دولت‌ها باید وقوع آن را به صورت عینی اثبات کنند و این شرط، پایه قانونی مشروعیت اقدام دفاعی محسوب می‌شود (Vaubel, 2019, pp. 370-371).

ب: ضرورت و فوریت واکنش دفاعی

دومین شرط بنیادین برای اعمال دفاع مشروع، ضرورت (necessity) و فوریت واکنش دفاعی است. اصل ضرورت ریشه در حقوق بین‌الملل عرفی دارد و به ویژه در قضیه کارولین (۱۸۳۷) مورد تأکید قرار گرفته است. دانیل وبستر، وزیر خارجه آمریکا، در آن پرونده بیان کرد که دفاع مشروع تنها زمانی مجاز است که «نیاز فوری، قریب‌الوقوع و مبرم باشد و هیچ گزینه جایگزینی برای دفع تهدید وجود نداشته باشد» (Dinstein, 2005, pp. 136-137; Brownlie, 1963, p. 38). این اصل مانعی است در برابر اقدام پیش‌دستانه یا فرصت‌طلبانه و تضمین می‌کند که دولت مدافع تنها در شرایط اضطراری به زور متوسل شود.

فوریت واکنش دفاعی نیز با ضرورت ارتباط دارد. اقدام دفاعی باید در پاسخ به یک حمله جاری یا قریب‌الوقوع انجام شود و نه به عنوان تلافی یا مجازات پس از پایان حمله. ماده ۵۱ منشور با عبارت «تا زمانی که شورای امنیت اقدامات لازم را به عمل آورد» بر این ضرورت فوری تأکید کرده است (Gardam, 2004, pp. 46-47; Gill & Fleck, 2015, p. 85). این اصل در تحلیل حملات گروه‌های مسلح نیز کاربرد دارد؛ (de Wet (2019, pp. 95-97 نشان می‌دهد که اگر حملات مستمر و قریب‌الوقوع گروه‌های تروریستی وجود داشته باشد، ضرورت می‌تواند توجیهی برای پاسخ دفاعی باشد، مشروط بر اینکه هیچ گزینه مسالمت‌آمیز دیگری موجود نباشد.

ضرورت باید به صورت عینی و بر اساس شواهد واقعی احراز شود. آست (۲۰۱۰، pp. 102-103) تأکید می‌کند که دولت‌ها نمی‌توانند صرفاً با استناد به برداشت ذهنی یا تصورات واهی، ضرورت دفاع را اثبات کنند. شواهد قابل قبول باید نشان دهند که حمله مسلحانه در شرف وقوع یا در جریان است و گزینه‌ای جز توسل به زور برای دفع آن وجود ندارد. این رویکرد محدودکننده، مانع سوءاستفاده از حق دفاع مشروع و حفظ اصل منع توسل به زور می‌شود (Vaubel, 2019, pp. 375-376; Gray, 2018, p. 351).

به طور خلاصه، شرط ضرورت و فوریت واکنش دفاعی، اطمینان می‌دهد که اقدام دفاعی دولت‌ها تنها در شرایط اضطراری و برای دفع تجاوز مشروع است و نه به قصد تنبیه یا اعمال سلطه. این اصل همراه با سایر شرایط دفاع مشروع، معیار ارزیابی مشروعیت اقدام نظامی را تشکیل می‌دهد و مبنای حقوقی مستدل برای دولت‌ها فراهم می‌آورد.

ج: تناسب در استفاده از زور

سومین شرط بنیادین دفاع مشروع، اصل تناسب (proportionality) است. این اصل ایجاب می‌کند که شدت و وسایل واکنش دفاعی با شدت حمله مسلحانه و هدف دفع آن تناسب داشته باشد (Gardam, 2004, pp. 50-52). تناسب تنها به معنای تساوی دقیق تسلیحاتی یا تلفات نیست، بلکه به معنای برابری منطقی میان هدف مشروع (دفاع و دفع تجاوز) و وسایل به‌کار رفته است (Dinstein, 2005, p. 141). به بیان دیگر، دفاع مشروع نمی‌تواند به ابزاری برای گسترش جنگ یا اعمال فشار فراتر از دفع حمله تبدیل شود.

اعمال اصل تناسب مستلزم ارزیابی دقیق و موردی است. برای نمونه، یک حمله محدود در یک منطقه مرزی نمی‌تواند توجیه‌کننده واکنش گسترده‌ای مانند اشغال بخش‌هایی از خاک کشور مهاجم یا سرنگونی رژیم آن باشد (Gill & Fleck, 2015, p. 88). رویس (۲۰۱۰، pp. 60-62) در تحلیل رویه دولت‌ها و آرای قضایی بین‌المللی، تأکید می‌کند که مرز میان یک واکنش متناسب و

اقدام تنبیهی گاهی دشوار است، اما هرگونه عملی که فراتر از دفع حمله و بازگرداندن وضعیت پیشین باشد، از شمول دفاع مشروع خارج و خود می‌تواند تجاوز تلقی شود.

دیوان بین‌المللی دادگستری در قضیه نیکاراگوئه، اصل تناسب را یکی از ارکان اصلی حقوق عرفی دفاع مشروع دانسته و تأکید کرده است که واکنش نظامی باید محدود به هدف دفع حمله باشد (Gray, 2018, p. 356). گاردام (۲۰۰۴، p. 52) یادآوری می‌کند که تناسب در *jus ad bellum* با معیارهای *jus in bello* متفاوت است و باید هدف دفاعی عملیات نظامی را تعدیل کند. بنابراین، اصل تناسب نقش بازدارنده و تعدیل‌کننده دارد و مانع می‌شود که دفاع مشروع به بهانه مشروعیت، وسیله‌ای برای جنگ‌افروزی یا توسعه‌طلبی سرزمینی گردد.

د: موقتی بودن دفاع مشروع

چهارمین شرط دفاع مشروع، موقتی بودن آن است. حق دفاع مشروع یک حق ذاتی اما موقت است که تنها «تا زمانی که شورای امنیت اقدامات لازم برای حفظ صلح و امنیت بین‌المللی را به عمل آورد» به رسمیت شناخته می‌شود (Dinstein, 2005, p. 143). این محدودیت نشان می‌دهد که دفاع مشروع نباید جایگزین سیستم امنیت دسته‌جمعی پیش‌بینی شده در منشور شود.

ماهیت موقت دفاع مشروع، تضمین‌کننده برتری سیستم امنیت جمعی سازمان ملل است. حتی اگر شورای امنیت به دلیل اختلاف میان اعضا یا وتوی قدرت‌های بزرگ نتواند اقدام فوری انجام دهد، حق دفاع مشروع ذاتاً محدود به زمان اضطرار است و دولت‌ها نمی‌توانند به طور نامحدود به آن استناد کنند (Aust, 2010, pp. 104–105). همچنین، موقتی بودن بدان معناست که پس از دفع حمله و بازگرداندن وضعیت پیشین، ادامه عملیات نظامی یا اشغال خاک کشور مهاجم دیگر دفاع مشروع محسوب نمی‌شود و مصداق تجاوز است (Orakhelashvili, 2008, pp. 211–212).

این قاعده اهمیت ویژه‌ای در جلوگیری از سوءاستفاده از دفاع مشروع دارد. حتی در صورت عدم اقدام شورای امنیت، دولت مدافع نمی‌تواند پس از رفع ضرورت، اقدامات تلافی‌جویانه یا

توسعه طلبانه انجام دهد، زیرا این اقدامات دیگر تابع حق دفاع مشروع نبوده و نقض قواعد آمره حقوق بین‌الملل (jus cogens) محسوب می‌شوند (Orakhelashvili, 2008, pp. 213–214).

ه: اطلاع‌رسانی به شورای امنیت

پنجمین شرط شکلی دفاع مشروع، گزارش فوری اقدامات دفاعی به شورای امنیت است. ماده ۵۱ منشور تصریح می‌کند: «اعضا باید اقداماتی را که در اعمال حق دفاع مشروع از خود به عمل می‌آورند، فوراً به شورای امنیت گزارش دهند» (Dinstein, 2005, p. 145). هدف از این الزام، شفاف‌سازی اقدام دولت مدافع و اطلاع‌رسانی به نهاد اصلی مسئول حفظ صلح و امنیت بین‌المللی است.

گزارش‌دهی فوری، دولت‌ها را ملزم می‌کند که مشروعیت اقدام دفاعی خود را به جامعه بین‌المللی اعلام کنند و تشخیص نهایی را به شورای امنیت بسپارند (Helfer & Slaughter, 1997, pp. 2590–2591). این الزام، دفاع مشروع را از یک اقدام دوجانبه خارج کرده و آن را به موضوعی با اهمیت بین‌المللی تبدیل می‌کند. عدم گزارش‌دهی یا گزارش ناقص می‌تواند مشروعیت اقدام را زیر سؤال ببرد (Aust, 2010, pp. 105–106; Vaubel, 2019, pp. 380–381).

در عمل، دولت‌ها معمولاً در نامه‌ای به رئیس شورای امنیت، وقوع حمله مسلحانه و اقدامات دفاعی خود را تشریح می‌کنند و رعایت شرایط ضرورت و تناسب را تأکید می‌نمایند (Gill & Fleck, 2015, p. 91). این رویه به عنوان یک قاعده پذیرفته شده بین‌المللی، نقش مهمی در کنترل مشروعیت اعمال حق دفاع مشروع دارد و تضمین می‌کند که اقدامات دولت‌ها با نظم بین‌المللی و سیستم امنیت جمعی سازگار باشد.

۴. بررسی تطبیقی جهاد دفاعی در فقه اسلامی و دفاع مشروع در حقوق بین‌الملل

محور مقایسه جهاد دفاعی در فقه اسلامی دفاع مشروع در تحلیل تطبیقی حقوق بین‌الملل عمومی			
منشأ مشروعیت	مبتنی بر ادله شرعی (قرآن، سنت، اجماع، عقل) و قواعد فقهی مانند دفع صائل، لاضرر، اعتدای به مثل و ملازمه عقلی	مبتنی بر ماده ۵۱ منشور ملل متحد و عرف بین‌المللی	تفاوت بنیادین در منبع مشروعیت: الهی-شرعی در برابر قراردادی-عرفی
ماهیت حقوقی/تکلیفی	غالباً واجب (در صورت هجوم)، گاه واجب عینی	حق ذاتی دولت‌ها (Right of Self-Defence)	فقه بر تکلیف عینی تأکید دارد؛ حقوق بین‌الملل بر حق استثنایی
آستانه آغاز دفاع	تحقق تجاوز بالفعل یا تهدید واقعی و قریب‌الوقوع	وقوع «حمله مسلحانه» (Armed Attack)	حقوق بین‌الملل آستانه مضیق‌تری دارد
ضرورت دفاع	دفاع در صورت عدم امکان دفع تجاوز از طریق دیگر؛ مبتنی بر قاعده دفع صائل	شرط عرفی ضرورت؛ دفاع باید آخرین راه باشد	همگرایی روشن مفهومی
فوریت	دفاع باید همزمان یا نزدیک به زمان هجوم باشد	واکنش باید فوری و مرتبط با حمله باشد	همپوشانی قابل توجه

تناسب در استفاده از زور	ممنوعیت تعدی؛ منع افراط در مقابله	شرط تناسب در ICJ رویه (نیکاراگوئه، سکوها‌های نفتی)	تطابق عملکردی
مرجع اعلان دفاع	در جهاد دفاعی، اذن امام/حاکم شرط نیست (در صورت هجوم)	دولت قربانی اقدام می‌کند ولی باید به شورای امنیت گزارش دهد	تفاوت در ساختار نهادی
نقش نهاد بین‌المللی	فاقد ساختار نهادی جهانی الزام‌آور	شورای امنیت صلاحیت اقدام و نظارت دارد	نظام بین‌المللی دارای سازوکار کنترل بیرونی است
موقتی بودن دفاع	دفاع تا رفع تجاوز ادامه دارد	دفاع تا زمان اقدام شورای امنیت ادامه دارد	هر دو موقتی‌اند، اما معیار پایان متفاوت است
دفاع جمعی	امکان یاری مسلمانان مورد تجاوز	دفاع جمعی با درخواست دولت قربانی مجاز است	شباهت نسبی با تفاوت در ساختار حقوقی
حمایت از غیرنظامیان	ممنوعیت قتل زنان، کودکان، غیرمحرابین	اصل تفکیک و قواعد حقوق بشردوستانه	همگرایی در محدودسازی خشونت

جدول شماره (۱): تطبیق شرایط و مبانی جهاد دفاعی در فقه اسلامی و دفاع مشروع در حقوق بین‌الملل

عمومی

۵. تحلیل مخاصمه فعلی ایران (۲۰۲۶) در پرتو جهاد دفاعی و دفاع مشروع

در ۲۸ فوریه ۲۰۲۶، ایالات متحده و اسرائیل عملیات نظامی مشترکی را با نام‌های «Epic Fury» و «Roaring Lion» علیه ایران آغاز کردند. این حملات که بدون تأیید شورای امنیت و یک حمله مسلحانه غیر قانونی و بدون هیچ سببی از سوی آمریکا و رژیم صهیونیستی صورت گرفت، شامل اهداف متعددی در تهران، اصفهان، قم، کرج و کرمانشاه بود. محل اقامت رهبر معظم ایران آیت‌الله علی خامنه‌ای در حملات روز نخست به طور مستقیم مورد اصابت قرار گرفت و منجر به شهادت ایشان شد.

این حملات با ادعای «دفاع پیش‌گیرانه» توجیه گردید؛ ایالات متحده هدف را «از بین بردن تهدید فوری ناشی از رژیم ایران» اعلام کرد، در حالی که اسرائیل این حملات را «ضربات پیش‌دستانه» توصیف نمود. جالب آنکه، مستندات معتبر نشان می‌دهد که هیچ تهدید قریب‌الوقوعی از سوی ایران وجود نداشته است. آژانس بین‌المللی انرژی اتمی تأیید کرد که برنامه هسته‌ای ایران ماهیتاً صلح‌آمیز بوده و ایران در حال مذاکره جدی با جامعه بین‌المللی بوده است.

➤ جهاد دفاعی: حمله آشکار خارجی و تکلیف عمومی

از منظر فقه سیاسی امامیه، آغاز مخاصمه فعلی به وضوح مصداق «تجاوز بالفعل به سرزمین اسلامی» است که بر اساس مبانی قرآنی «أُذِنَ لِلَّذِينَ يُقْتُلُونَ أَنَّهُمْ ظَلَمُوا» (حج/۳۹) مشروعیت دفاع را ایجاد می‌کند. چنان‌که در «جواهر الکلام» تأکید شده: «اگر کفار قصد هجوم به بلاد مسلمین را داشته باشند، دفاع بر همگان واجب می‌گردد و نیازی به اذن امام ندارد» (نجفی، ۱۴۰۱ق، ج ۲۱، ص ۱۴).

در این مخاصمه، عناصر اصلی جهاد دفاعی به شرح زیر قابل ارزیابی است:

تجاوز واقعی و تهدید وجودی: تهاجم به پایتخت کشور اسلامی، اصابت مستقیم به محل اقامت رهبر، هدف‌گیری تأسیسات هسته‌ای و زیرساخت‌های غیرنظامی از جمله مدارس، بیمارستان‌ها و مسکونی، دفع تجاوز را به تکلیفی عینی (فرض عین) تبدیل کرده است. فقهای حنفی نیز در چنین

شرایطی جهاد را فرض عین دانسته و تصریح کرده‌اند که «زن بدون رضایت شوهر و حتی بنده مشغول بدون اجازه مالک نیز مکلف به دفاع هستند» (امام خمینی، ۱۳۸۵، ص ۴۶۱-۴۶۲).

عدم نیاز به اذن حاکم: صرف نظر از مناقشه بر سر مشروعیت حاکمیت موجود، بر اساس فقه اسلامی، در شرط تجاوز بالفعل، اذن حاکم شرط نیست. این نکته کلیدی در تحلیل منازعه کنونی حائز اهمیت است که دفاع از سرزمین اسلامی فارغ از هرگونه ساختار سیاسی الزامی شرعی است. البته این مورد در صورتی است که در اسرع وقت دسترسی به حاکم ممکن نباشد.

➤ دفاع مشروع در حقوق بین‌الملل

از منظر ماده ۵۱ منشور ملل متحد، سه عنصر اساسی مورد مناقشه است:

اول، شرط وقوع حمله مسلحانه: گزارش‌های متعدد بین‌المللی تصریح کرده‌اند که حملات ۲۸ فوریه ۲۰۲۶ «بدون وجود حمله مسلحانه قابل اثباتی که حق دفاع مشروع را فعال کند» صورت گرفته است. انجمن وکالت بین‌المللی در بیانیه‌ای رسمی اعلام کرده که «تلاش‌های ایالات متحده و اسرائیل برای توجیه حملات بر اساس دفاع مشروع در معرض بررسی حقوقی دقیق، با شکست مواجه می‌شوند». زیرا حقوق بین‌الملل توسل به زور را جز در پاسخ به یک «حمله مسلحانه» مجاز نمی‌شمارد.

دوم، معیار ضرورت و فوریت: معیارهای قضیه کارولین (۱۸۳۷) که در حقوق بین‌الملل عرفی تثبیت شده، ایجاب می‌کند که دفاع مشروع تنها زمانی مجاز باشد که «نیاز فوری، قریب‌الوقوع و مبرم بوده و هیچ گزینه جایگزینی برای دفع تهدید وجود نداشته باشد». بر اساس مستندات موجود، حملات مذکور در شرایطی رخ داده که ایران در حال مذاکره با جامعه بین‌المللی بوده و هیچ تهدید قریب‌الوقوعی از سوی آن به اثبات نرسیده است (Dinstein, 2005, p:38).

سوم، استدلال ایران به دفاع مشروع: ایران متقابلاً اقدامات دفاعی خود را بر اساس حق ذاتی دفاع مشروع تحت ماده ۵۱ منشور توجیه کرده است. نماینده ایران در سازمان ملل تأکید کرده که پاسخ

ایران «قانونی، ضروری و متناسب» بوده و صرفاً اهداف نظامی نیروهای متجاوز را هدف قرار داده است. سخنگوی وزارت خارجه ایران در بلغراد نیز تصریح کرده که اعمال حق ذاتی دفاع مشروع تا زمان توقف تجاوز یا اقدام شورای امنیت بر اساس ماده ۳۹ منشور ادامه خواهد داشت (Embassy of Iran in Belgrade, 2026)

مهم‌ترین نکته قابل تحلیل در مخاصمه کنونی، نقض فاحش اصل تناسب و حمایت از غیرنظامیان است:

آمار تلفات: بر اساس گزارش‌های رسمی، تا ۲۲ روز پس از شروع جنگ، حدود ۱,۳۳۲ غیرنظامی در ایران کشته شده‌اند. سازمان ملل تأیید کرده که از زمان شروع جنگ، ده‌ها هزار نفر مجروح و بیش از سه میلیون نفر در ایران آواره شده‌اند.

تخریب زیرساخت‌های غیرنظامی: جمهوری اسلامی ایران گزارش کرده که بیش از ۸۱ هزار واحد مسکونی و زیرساخت غیرنظامی از جمله بیمارستان‌ها، مدارس و دانشگاه‌ها تخریب یا آسیب دیده است. (Kolivand, 2026)

سفیر ایران در سازمان ملل اعلام کرد که ۱۶۵ دانش‌آموز دختر در یک مدرسه در جنوب ایران هدف حملات قرار گرفته‌اند و این اقدامات «متجاوزانه، جنایت جنگی و جنایت علیه بشریت» است (UN Human Rights Council, 2026).

این تناسب‌گریزی آشکار، از منظر هر دو نظام فقهی و حقوقی قابل محکومیت است. فقه اسلامی با صراحت از «ممنوعیت قتل زنان، کودکان و غیرمحاربین» سخن می‌گوید و حقوق بین‌الملل بشردوستانه نیز اصل تفکیک و تناسب را قاطعانه الزام می‌دارد. حملاتی که به کشتار ده‌ها دانش‌آموز و هزاران غیرنظامی انجامیده، از هر دو منظر غیرقابل توجیه است.

از منظر حقوقی، یکی از چالش‌های اصلی مخاصمه فعلی، ناتوانی شورای امنیت در ایفای نقش خود است. ماده ۵۱ منشور دفاع مشروع را موقتی و «تا زمانی که شورای امنیت اقدامات لازم را به عمل

آورد» می‌داند. با این حال، شورای امنیت نتوانسته اقدام مؤثری اتخاذ کند. دبیرکل سازمان ملل، آنتونیو گوترش، حملات ایالات متحده و اسرائیل را «نقض حقوق بین‌الملل از جمله منشور ملل متحد» ارزیابی کرده است، هرچند همزمان حملات تلافی‌جویانه ایران را نیز محکوم کرده است. با وجود این ارزیابی‌ها، سازوکار نظارتی شورای امنیت عملاً فلج شده است (Guterres, 2026). تحلیل مخاصمه ۲۰۲۶ ایران، همگرایی و واگرایی دو نظام دفاع مشروع را به روشنی نشان می‌دهد. از منظر جهاد دفاعی فقه اسلامی: آغاز تجاوز از سوی ایالات متحده و اسرائیل، دفاع از سرزمین اسلامی را به تکلیفی عینی و فردی تبدیل کرده است. با این حال، نقض فاحش اصل تفکیک در جریان دفاع (حملات به کشورهای دیگر) ممکن است از منظر قیود تناسب فقهی نیازمند ارزیابی دقیق باشد.

از منظر دفاع مشروع حقوق بین‌الملل، حملات اولیه آمریکا و اسرائیل فاقد شرط «حمله مسلحانه» بوده و ادعای دفاع پیشگیرانه، معیار ضرورت و فوریت (آزمون کارولین) را برآورده نمی‌کند. اقدامات دفاعی ایران با استناد به ماده ۵۱ در برابر تجاوز مسلحانه صورت گرفته است (UN, 1945, art. 51). با این حال، گسترش حملات تلافی‌جویانه به کشورهای دیگر (از جمله قطر، بحرین، کویت، عراق، اردن، عربستان سعودی و امارات)، «نقض حاکمیت و تمامیت ارضی» آن کشورها تلقی شده و توسط دبیرکل سازمان ملل محکوم خورده است.

در نهایت، تفاوت اساسی در این مخاصمه به وضوح مشاهده می‌شود: حقوق بین‌الملل دفاع مشروع را حقی برای دولت‌ها می‌داند که در این مورد، اختلاف بر سر آغازگر «حمله مسلحانه» به بن‌بست تفسیری انجامید. در مقابل، فقه اسلامی جهاد دفاعی را تکلیفی همگانی و فراتر از ساختار دولت می‌داند که در برابر تجاوز به سرزمین اسلام، فارغ از مناقشات سیاسی، بر تمامی مسلمانان واجب می‌شود.

نتیجه‌گیری

پژوهش تطبیقی حاضر با هدف بررسی جهاد دفاعی در فقه اسلامی و دفاع مشروع در حقوق بین‌الملل عمومی، در پی پاسخ به این پرسش بود که آیا این دو نهاد با وجود تفاوت در مبانی، ظرفیت همگرایی هنجاری دارند یا خیر. یافته‌های پژوهش که با روش توصیفی-تحلیلی و رویکرد تطبیقی ساختاری به دست آمده، نشان می‌دهد که رابطه میان این دو نظام، ترکیبی از تمایزهای بنیادین در مبانی و همگرایی‌های قابل توجه در عرصه عملی است. در سطح مبانی مشروعیت، تفاوتی عمیق میان دو نظام قابل مشاهده است. جهاد دفاعی در فقه اسلامی، تکلیفی شرعی است که مشروعیت خود را از نصوص دینی و حکم عقل اخذ می‌کند و در شرایط تهدید، به وظیفه‌ای همگانی تبدیل می‌شود. در مقابل، دفاع مشروع در حقوق بین‌الملل، حقی ذاتی برای دولت‌هاست که مشروعیت آن مبتنی بر وقوع حمله مسلحانه و اراده جمعی دولت‌ها بوده و تحت نظارت شورای امنیت قرار دارد.

در سطح قیود و محدودیت‌ها، نقاط همگرایی چشمگیری مشاهده می‌شود. هر دو نظام بر اصولی چون ضرورت فوری دفاع، تناسب در اقدامات متقابل، و ممنوعیت تعرض به غیرنظامیان تأکید دارند. این اشتراکات نشان می‌دهد که تجربه مشترک انسانی در موقعیت‌های جنگی و ضرورت حفظ کرامت انسان‌ها، به زبان مشترک اخلاقی و عملی در محدودسازی خشونت منجر شده است. با این حال، این محدودیت‌ها در فقه اسلامی به عنوان تکلیف شرعی قلمداد می‌شود، در حالی که حقوق بین‌الملل آن‌ها را قواعد قراردادی تلقی می‌کند.

در سطح ساختار مرجعیت، تفاوت‌های مهمی وجود دارد. شمول فراخوان عمومی از طرف رییس جمهور و شخص درجه اول کشور در جهاد دفاعی با ساختار نهادی حقوق بین‌الملل که دفاع مشروع را تحت نظارت سازمان ملل قرار می‌دهد، در تعارض است. بنابراین، همگرایی کامل میان دو نظام به دلیل تفاوت در مبانی و ساختار مرجعیت امکان‌پذیر نیست، اما در سطح محدودیت‌های عملی و اصول انسانی مشترک، ظرفیت قابل توجهی برای گفتگو و بهره‌گیری متقابل وجود دارد. جهاد دفاعی

می‌تواند به عنوان منبع الهام اخلاقی برای غنی‌سازی حقوق بین‌الملل عمل کند و حقوق بین‌الملل نیز می‌تواند ساختار نهادی لازم برای کنترل کاربرد زور را فراهم آورد. در مخاصمه ایران شرایط دفاع مشروع برای ایران محفوظ می‌باشد، چون از طرف ایران هیچ تهدید فوری و قریب الوقوع متصور نبود. اما آمریکا و رژیم صهیونیستی در این قضیه براساس فقه اسلامی و قانون بین‌الملل محکوم هستند؛ چون تجاوز آشکار و نقض حاکمیت انجام داد. بدین ترتیب، ترکیب ظرفیت‌های اخلاقی فقه اسلامی و ساختار حقوقی بین‌المللی می‌تواند به شکل‌گیری مدلی از دفاع مشروع منجر شود که ضمن رعایت اصول انسانی، از مشروعیت بین‌المللی لازم برخوردار باشد.

پیشنهادهای

پیشنهادهای نویسندگان مقاله راجع به تحقیق‌های بیشتر در این مورد این است که: پژوهش موضوعاتی چون دفاع پیش‌دستانه، مخاصمات نامتقارن و نقش بازیگران غیردولتی از نگاه فقه و حقوق بررسی گردد. پژوهش موضوعات فوق به تدوین چارچوبی جامع‌تر برای کاربرد مشروع زور در شرایط پیچیده معاصر کمک می‌کنند.

فهرست منابع

قرآن کریم

۱. ابن‌الهمام، کمال‌الدین، بی‌تا، فتح‌القدير، الناشر: دارالفکر.
۲. ابن‌عابدین، محمد عمر، ۱۴۱۵ق، رد‌المختار، الناشر: دارالفکر العربی.
۳. ابن‌منظور، محمد بن مکرم، ۱۴۱۴ق، لسان‌العرب (ج ۳)، بیروت: دار صادر.
۴. احمدی نیک، سیدمهدی و حسن زاده، محمد، ۱۴۰۴، «مبانی دفاع مشروع و حقوق بشر با تاکید بر اندیشه دفاعی مقام معظم رهبری مدّ ظلّه العالی»، پژوهش‌های فقهی، دوره ۲۱، شماره ۱.
۵. الاصفی، محمد مهدی، ۱۴۳۰ق، فقه‌المقاومة (دراسة فقهية مقارنة)، الناشر: المعاونة الثقافية للمجمع العالمي لاهل البيت.

۶. امام خمینی، روح الله، ۱۳۸۵ش، تحریر الوسيلة، تهران: مؤسسه نشر تنظیم آثار امام خمینی.
۷. البارتی، محمد بن محمود، بی تا، العناية شرح الهدایة، الناشر: دارالفکر.
۸. البروجردی، اشرف، ۱۴۴۴ق، «الجهاد فی الفقه الاسلامی: دراسة مقارنة لدى اربعة من فقهاء الشيعة و السنة المعاصرين»، مجلة دراسات فی العلوم الاسلامیة.
۹. البوطی، محمد سعید رمضان، ۱۹۹۳م، الجهاد فی الاسلام، بیروت: دارالفکر.
۱۰. بهشتی دامغانی، ابراهیم، ۱۳۹۱، دفاع مشروع در فقه اسلامی، قم: مرکز فقهی ائمه اطهار.
۱۱. الحدادی، ابوبکر بن علی، ۱۳۲۲ق، الجوهرة النيرة علی مختصر القدوری، الناشر: المطبعة الخيرية.
۱۲. حسن رجایی و همکاران، ۱۴۰۰، «بررسی اختیارات حاکم اسلامی در حکم جهاد دفاعی از منظر فقه امامیه»، فصلنامه علمی مطالعات دفاع مقدس، شماره ۲.
۱۳. حلی، حسن بن یوسف، ۱۴۱۳ق، قواعد الاحکام، قم: انتشارات جامعه مدرسین.
۱۴. خطیب، عبدالکریم، ۱۴۲۴ق، التفسیر القرآنی للقرآن الکریم، قاهره: دارالفکر العربی.
۱۵. رجبی تاج امیر، ابراهیم و رضازاده سلطان آباد، محمد رضا، ۱۴۰۰، «دفاع مشروع پیش‌دستانه در برابر گروه‌های غیردولتی از منظر حقوق بین‌الملل»، تحقیقات حقوقی بین‌المللی، دوره ۱۴، شماره ۵۳.
۱۶. رجبی، محمد حسن، ۱۳۷۸ش، رسائل و فتاوی جهادیه، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۱۷. زندآبادی، سید حسین؛ عابدینی، احمد؛ عاشوری، نادعلی و عباسیان، رضا، ۱۳۹۷، «واکاوی تطبیقی دفاع مشروع در فقه امامیه و حقوق بین‌الملل»، پژوهش‌های فقه و حقوق اسلامی، دوره ۱۴، شماره ۵۳.
۱۸. سمایی، سعید، ۱۳۹۹، مشروعیت دفاع پیشگیرانه در قبال کشورهای حامی تروریسم، تهران: لاهوت.
۱۹. شافعی، محمد بن ادريس، ۱۹۹۴م، احکام القرآن، قاهره: مکتبه الخانجی.

۲۰. الشربيني، شمس الدين محمد بن خطيب، بى تا، مغنى المحتاج الى معرفة معانى الفاظ المنهاج، بيروت: دارالمعرفة.

۲۱. شهيد ثانی، زين الدين بن على، ۱۳۸۳ش، مسالك الافهام الى تنقيح شرائع الاسلام، تهران: بنياد معارف اسلامى.

۲۲. ضيايى بيگدلى، محمدرضا، ۱۴۰۰، حقوق بين الملل عمومى، تهران: گنج دانش.

۲۳. طباطبايى، محمدحسين، ۱۳۵۲ش، الميزان فى تفسير القرآن، بيروت: مؤسسة الاعلمى للمطبوعات.

۲۴. طبرسى، حسن بن فضل، ۱۳۷۲ش، مجمع البيان فى تفسير القرآن، تهران: انتشارات ناصر خسرو.

۲۵. ظريف، محمد جواد و آهني، امينه، ۱۳۹۱، «دفاع مشروع پيش دستانه: مشروعيت کاربرد زور در روابط بين الملل يا نقض مكرر منشور ملل متحد»، تحقيقات سياسى و بين المللى، دوره ۴، شماره ۱۲.

۲۶. عاملى، زين الدين بن على، ۱۴۱۳ق، الروضة البهية، الناشر: مجمع الفكر الاسلامى، نجف.

۲۷. عوده، عبدالقادر، بى تا، التشريع الجنائى الاسلامى مقارنا بالقانون الوضعى، بيروت: دار الكاتب العربى.

۲۸. كاسانى، علاء الدين بن ابوبكر، ۱۴۲۴ق، البدائع الصنائع فى ترتيب الشرائع، بيروت: دارالكتب العلمية.

۲۹. مجلسى، محمداقرا، بى تا، بحار الانوار، الناشر: دارالكتب الاسلامية.

۳۰. محقق حلى، جعفر بن حسن، ۱۴۰۹ق، شرائع الاسلام فى مسائل الحلال و الحرام، تهران: انتشارات استقلال.

۳۱. نجفى، محمد حسن بن باقر، ۱۳۶۳، جواهر الكلام فى شرح شرائع الإسلام، بيروت: دار احياء التراث العربى.

۳۲. نجفى، محمدحسن، ۱۴۰۱ق، جواهر الكلام (چاپ هفتم)، بيروت: دار إحياء التراث العربى.

۳۳. هاشمی، سید محمود و جمعی از پژوهشگران (زیر نظر سید محمود هاشمی شاهرودی)،

۱۳۱۷ق، معجم فقه الجواهر، بیروت: الغدير للطباعة والنشر والتوزيع.

1. Aust, A. (2010). *Modern treaty law and practice* (2nd ed.). Cambridge University Press.
2. Bowett, D. W. (1958). *Self-defense in international law*. London, UK: Stevens & Sons.
3. Brownlie, I. (1963). *International law and the use of force by states* (2nd ed.). Clarendon Press.
4. De Wet, E. (2019). The invocation of the right to self-defence in response to armed attacks conducted by armed groups: Implications for attribution. *Leiden Journal of International Law*, 32(1), 91-110. <https://doi.org/10.1017/S0922156518000610>
5. Dinstein, Y. (2005). *War, aggression and self-defence* (4th ed.). Cambridge University Press.
6. Embassy of the Islamic Republic of Iran in Belgrade. (2026, February 28). Press Release 28 February 2026. <https://belgrade.mfa.gov.ir/en/newsview/785239/Press-Release-28-February-2026>
7. Gardam, J. (2004). *Necessity, proportionality and the use of force by states*. Cambridge University Press.
8. Gill, T. D., & Fleck, D. (Eds.). (2015). *The legal basis of the right of self-defence under the UN Charter*. Oxford University Press.
9. Gray, C. (2018). *International law and the use of force* (4th ed.). Oxford University Press.
10. Guterres, A. (2026, February 28). UN chief condemns U.S.-Israeli strikes on Iran, urges de-escalation. CGTN. https://news.cgtn.com/news/2026-02-28/UN-chief-condemns-U-S-Israeli-strikes-on-Iran-urges-de-escalation-1L8FjkAviwm/p.html?utm_source
11. Helfer, L. R., & Slaughter, A.-M. (1997). Toward a theory of effective supranational adjudication. *Yale Law Journal*, 106(5), 2587-2619.
12. International Law Commission. (2001). *Draft articles on responsibility of states for internationally wrongful acts*. United Nations.
13. Kearley, R. (1994). Raising the "Caroline." *Wisconsin International Law Journal*, 17, 325-350.
14. Kearley, R. (2003). Regulation of preventive and preemptive force in the United Nations Charter: A search for original intent. *Wyoming Law Review*, 3, 663-692.
15. Kolivand, P. (2026, March 19). Day 20 of Middle East conflict – Israel attack on key Iran gas site prompts retaliatory strikes. CNN. <https://www.cnn.com/world/live-news/iran-war-us-israel-trump-03-19-26>
16. Kunz, J. L. (1947). Individual and collective self-defence in Article 51 of the Charter of the United Nations. *American Journal of International Law*, 41(5), 872-879.

17. Meng, L. (1958). The Caroline case. In R. Bernhardt (Ed.), Encyclopedia of public international law (Vol. 1, p. 538). Amsterdam, Netherlands: North-Holland.
18. O'Connell, M. E. (2010). The power and purpose of international law: Insights from the theory and practice of enforcement. Oxford, UK: Oxford University Press.
19. Orakhelashvili, A. (2008). Peremptory norms in international law. Oxford University Press.
20. Randelzhofer, A. (1994). Article 2(4). In The Charter of the United Nations: A commentary. New York, NY: Springer.
21. Reference.org. (2025). Self-defence in international law. Retrieved February 25, 2026, from https://reference.org/facts/Self-defence_in_international_law/M39bF6zC
22. Ruys, T. (2010). 'Armed attack' and Article 51 of the UN Charter. Cambridge University Press.
23. Schmitt, M. N. (Ed.). (2013). Tallinn Manual on the International Law Applicable to Cyber Warfare. Cambridge, UK: Cambridge University Press.
24. United Nations Human Rights Council Special Procedures. (2026, March 6). UN experts strongly condemn deadly missile strike on girls' school in Iran, call for independent investigation. OHCHR. <https://www.ohchr.org/en/press-releases/2026/03/un-experts-strongly-condemn-deadly-missile-strike-girls-school-iran-call>.
25. United Nations. (1945). Charter of the United Nations. Retrieved February 25, 2026, from <https://www.un.org/en/about-us/un-charter/chapter-7>
26. Vaubel, C. (2019). Revisiting Article 51: Armed attack and customary self-defence. Journal of Conflict & Security Law, 24(3), 367-402.
27. Westlake, J. (1904). International law (Vol. I). Cambridge University Press.